

قطعه‌نامه در مورد جنبش کارگری

۱- رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی دست به گریبان است. این بحران که بازتاب مجموعه ای از تضادهای لاینحل جامعه ایران است، بیش از پیش تشدید گشته و تعمیق یافته است. تمامی تلاش ها و راه حل های جناح ها و گروه بندی های مختلف وابسته به طبقه حاکم برای حل بحران با شکست روبرو شده است. با روی کار آمدن احمدی نژاد، نه تنها بحران فروکش نکرد و تضادها و کشمکش ها حتی تعدیل هم نیافت، بلکه بر شدت بحران و دامنه تضادها و کشمکش ها به طور محسوسی افزوده شده است. تجربه یک ربع قرن حاکمیت جمهوری اسلامی، نشان می دهد که جمهوری اسلامی از حل معضلات و پاسخ گویی به نیازهای جامعه عاجز است. لذا بحران سیاسی و اقتصادی باز هم تشدید می شود و بر عمق و دامنه نارضایتی و مبارزات توده ای افزوده می شود.

۲- در برابر جامعه و برای حل بحران و معضلات موجود جز یک انقلاب و دگرگونی بنیادی نظم موجود راه دیگری وجود ندارد. راهی که طبقه کارگر پیگیرانه آن را دنبال می کند. تنها انقلاب و تحولات رادیکال و انقلابی است که راه حل نهایی بحران های موجود را می گشاید.

۳- جنبش های اعتراضی افشار مختلف مردم روز به روز گسترش یافته و رادیکال تر می شوند. این جنبش ها به رغم حقانیت شان، در غیاب طبقه کارگر سرنوشتی جز شکست ندارند و اگر جنبش طبقاتی کارگران در صف مقدم این جنبش ها قرار نگیرد و طبقه کارگر مهر خود را بر آن نکوبد، تحولات رادیکال و انقلابی متحقق نخواهد شد.

۴- مبارزه طبقاتی کارگران در طی دو سال گذشته، نوید بخش ورود متشکل تر کارگران به این صحنه است. اصلی ترین و مهمترین نیروی عرصه فعال مبارزه در این دوره، جنبش طبقاتی کارگران بوده است. جنبش طبقاتی و بالنده ی کارگران در فاصله دو کنفرانس سازمان، تحولات مهمی را پشت سر گذاشته و به نحو چشمگیری رشد و ارتقاء یافته است.

۵- به رغم ممنوعیت اعتصاب و اعتراض و به رغم موانع و محدودیت‌هایی که سرمایه داران و دولت آنها بر سر راه کارگران ایجاد کرده اند، اما کارگران صدها اعتصاب و تجمع اعتراضی برپا کرده و در اشکال متنوعی برای دست یابی به مطالبات خود مانند افزایش دستمزدها، توقف اخراج ها و بیکار سازی ها، الغاء قراردادهای موقت، انحلال شرکت های پیمانکاری، پرداخت به موقع دستمزدها، حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری دست به مبارزه زدند.

۶- مجموعه این اعتراضات که از لحاظ کمی با افزایش روبه رو بوده، به لحاظ کیفی نیز رشد و ارتقاء یافته است. اعتصابات متعدد و گاه طولانی مدت کارگران با خواست های سیاسی و اقتصادی، هماهنگ سازی مبارزات و اجتماعات اعتراضی کارگری، همبستگی کارگری، حمایت و پشتیبانی عملی و علنی از مبارزات و خواست های کارگری، برنامه ریزی و سازماندهی اقدامات اعتراضی و برگزاری مراسم های مختلف مستقل کارگری به مناسبت اول ماه مه، تماما نشان دهنده رشد و ارتقاء درجه آگاهی کارگران و پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران است.

۷- کارگران از حق ایجاد تشکل های مستقل خود محروم اند. جمهوری اسلامی به شدت مخالف تشکل یابی کارگران است و تنها ارگان ها و نهادهای وابسته به خود را به رسمیت می شناسد. هر جا که کارگران خواسته‌اند مستقلا وارد عمل شوند، به سرنیزه و سرکوب متوسل شده است. علی رغم این، کارگران برای تشکل یابی خود و ایجاد تشکل های مستقل کارگری از تلاش باز نایستاده‌اند. یک نمونه برجسته آن تلاش کارگران شرکت واحد برای ایجاد و دفاع از سندیکای خود است. تشکل های مستقل کارگری به یک خواست مهم و اساسی کارگران در مقیاس وسیع تبدیل شده اند. کارگران هر جا که توانسته اند خود را متشکل ساخته و بنا به موقعیت و شرایط محل کار خود، تشکل های مورد نظر خود را نیز بر پا کرده اند. کمیته های مختلفی در سطح کارخانه ها تشکیل شده و ارتباط هائی میان آنها نیز برقرار شده است. برخی کمیته های کارگری فراکارخانه ای نیز شکل گرفته اند که در ایجاد ارتباط و پیوند میان کمیته های کارخانه می توانند نقش مهمی ایفا کنند. کارگران به تلاش و مبارزه برای ایجاد تشکل های مورد نظر خود ادامه می دهند. متشکل شدن کارگران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری روند تاثیر گذاری و مداخله طبقه کارگر در تحولات سیاسی جامعه ایران را تسریع نموده و بیش از این تسریع می کند. این پدیده ها تماما نشانه پیشروی کارگران در عرصه تشکل یابی و نشانه پیشرفت انکار ناپذیر جنبش طبقاتی کارگران است که در بیست سال گذشته سابقه نداشته است.

۸- کارگران به تجربه می آموزند که مناسب ترین تشکل غیر حزبی کارگری در شرایط کنونی کمیته های کارخانه اند. کمیته های کارخانه رادیکال ترین تشکل های کارگری در محل تولید اند و همیشه در دسترس کارگران قرار دارند. این کمیته ها که در برگیرنده پیشروترین و آگاه ترین کارگران کارخانه اند، نه تنها اکنون قادرند مبارزات روزمره کارگران را سازمان دهی و رهبری کنند، بلکه به علت قابلیت انعطاف و خصلت رادیکال خود، در شرایط رشد بحران و اعتلاء بیشتر جنبش نیز به سرعت می توانند به کمیته های اعتصاب تبدیل شوند و نقش مهمی در سازماندهی و رهبری جنبش طبقاتی کارگران و ارتقای آن به مراحل عالی تر ایفا کنند. با پیشرفت مبارزه طبقاتی، این کمیته ها، به شوراها و ارگانهای اعمال قدرت کارگری تبدیل می شوند.

در شرایط کنونی تلفیق اشکال مبارزه و فعالیت مخفی، نیمه مخفی و علنی، حائز اهمیت بسیار زیادی است. با عطف توجه به این مسئله، کمیته های کارخانه را باید در تمام واحدهای تولیدی و صنایع بزرگ ایجاد نمود. تحکیم و گسترش ارتباط میان این کمیته ها برای پیشرفت مبارزه کارگری یک امر ضروری است. البته این به معنای نفی اشکال دیگر تشکل یابی کارگران نیست. کارگران صنوف و کارگاه های کوچک که در آن ها امکان ایجاد کمیته و شورا وجود ندارد عموماً در سندیکا متشکل می شوند. از این گونه سندیکاها که مستقل از دولت و توسط خود کارگران ایجاد می شود باید حمایت نمود و برای رادیکال کردن آن ها تلاش کرد.

۹- جامعه ایران آستان تحولات است. این که این تحولات به یک انقلاب پیرومند کارگری فرابروید و طبقه کارگر قدرت سیاسی را به چنگ آورد، تماما به این مسئله بستگی دارد که کارگران تا چه میزانی به آگاهی سیاسی دست یافته و خود را متشکل نموده‌اند.

طبقه کارگر در مبارزه علیه طبقات مرتجع باید به نیروی خود و حمایت بین‌المللی کارگران سراسر جهان اتکا کند و هیچ توهمی به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بورژوازی و بورژوا-فرمیست نداشته باشد.

اگرچه جنبش طبقاتی کارگران هنوز به آن مرحله ای نرسیده است که بتواند به عنوان جنبش آگاهانه طبقه کارگر نقش قطعی خود را در این تحولات ایفا کند، اما سرعت تحولات، بالندگی و پویایی درونی جنبش طبقاتی کارگران و همچنین مجموعه پیشرفت‌های جنبش کارگری طی این دوره که بیان‌گر ارتقای میزان آگاهی و تشکل‌یابی در صفوف طبقه کارگر است، نوید بخش فرارویی جنبش طبقاتی کارگران به چنین جایگاهی است.

۱۰- تمام کوشش‌ها و تاکتیک‌های مبارزاتی سازمان ما باید معطوف باشد به ارتقاء هر چه بیشتر درجه آگاهی در صفوف کارگران و تقویت هر چه بیشتر تشکل‌یابی طبقه کارگر به منظور تامین رهبری بلامنازع انقلاب و کسب قدرت سیاسی.